

تحلیل شاخص‌های خدماتی - عمرانی در سکونتگاه‌های عشایری و نقش آن در بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی

(مورد مطالعه: استان اردبیل)

دکتر حسن افراخته^۱ - دکتر بابا داوردان^۲

شمسی صالح‌پور^۳

چکیده

یکی از مسائل و مشکلات سکونتگاه‌های عشایری که هر کدام به فراخور موقعیت جغرافیایی خود ویژگی‌ها و قابلیت‌های متنوعی دارند، نابرابری‌های فضایی و منطقه‌ای به لحاظ بهره‌مندی از شاخص‌های توسعه است. نوشتار حاضر با هدف تحلیل نقش شاخص‌های خدماتی - عمرانی در بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی سکونتگاه‌های عشایری به روش توصیفی - تحلیلی در استان اردبیل تدوین شده است. جامعه آماری پژوهش جامعه عشایری استان اردبیل است. ۳۷۰ نفر از سرپرستان خانوار عشاری بالای ۲۰ خانوار به عنوان حجم نمونه برای بررسی وضعیت اقتصادی - اجتماعی عشایر انتخاب شده‌اند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه و شیوه نمونه‌گیری به صورت تصادفی ساده می‌باشد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده نرم‌افزار از Excel و SPSS صورت گرفته است. جهت بررسی اعتبار پرسشنامه از آلفا کرونباخ استفاده شده و ضریب آن برابر ۰/۹۷ درصد به دست آمده است. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که سکونتگاه‌های عشایری شهرستان خلخال با ۰/۷۹۰ به عنوان برخوردارترین شهرستان به لحاظ شاخص‌های توسعه در رتبه ۱ و پارس‌آباد با ۰/۶۰۴ به عنوان محروم‌ترین شهرستان در رتبه ۵ قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که متغیرهای وضعیت اجتماعی - اقتصادی با ضریب ۰/۹۵ درصد از توزیع فضایی شاخص‌های خدماتی - عمرانی تأثیرپذیر هستند. در محدوده مورد مطالعه توزیع فضایی شاخص‌های خدماتی - عمرانی تا حدودی در بعد اجتماعی - فرهنگی مطلوب بوده و به بعد اقتصادی کمتر توجه شده است. در این راستا، جهت بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی عشایر پیشنهاد می‌شود در جهت اسکان نسبی، توسعه نیمه کوچ نشینی، مورد مذاقه مسئولین دولتی قرار گیرد.

کلید واژگان: شاخص‌های توسعه، خدماتی - عمرانی، سکونتگاه‌های عشایری، کوپراس

۱ - استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی.

۲ - دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی.

۳ - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی.

مقدمه

توسعه به معنی کوشش آگاهانه نهادی شده و مبتنی بر برنامه ریزی برای ترقی اجتماعی و اقتصادی جوامع، مختص قرن بیستم است که ابتدا از سال ۱۹۱۷ در شوروی سابق آغاز گردید (زیاری و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۱۸). این اصطلاح به صورت فراگیر پس از جنگ جهانی دوم مطرح و امروزه دغدغه خاطر بسیاری از کشورها به شمار می‌رود. توسعه در مفهوم کلی خود به معنای ارتقای سطح مادی و معنوی جامعه انسانی و ایجاد شرایط مناسب یک زندگی سالم برای تمامی افراد جامعه است. با توجه به این مفهوم توسعه در برگزیده جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است که شامل تغییرات کمی و کیفی می‌شود و از نظر داخلی و خارجی از مفاهیم نسبی به شمار می‌رود (جمعه پور، ۱۳۸۵: ۵۲-۵۱). بهبود مداوم زندگی تمامی جمعیت، توزیع عادلانه منابع، کاهش نابرابری فضایی و رفع دوگانگی اقتصادی و اجتماعی به عنوان اهداف اساسی توسعه مورد توجه بسیاری از نظریه‌پردازان توسعه از جمله میردال (۱۹۷۰م) و تودارو (۱۳۶۵ش) بوده است، چرا که عدم توازن در جریان توسعه بین مناطق گوناگون، موجب ایجاد شکاف و تشدید نابرابری‌های فضایی می‌شود (فرجی سبکبار، ۱۳۹۲، ۱۱۵). اصولاً در مناطق جهان وقوع نابرابری‌های فضایی (Martinez, 2009: 1) به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه طیف وسیعی از شرایط ناهمگون زندگی را بوجود آورده است (Vlahov et al, 2005: 949- 957) که خود مانعی در مسیر توسعه ملی (فرجی سبکبار، ۱۳۹۲: ۱۱۵) و نابرابری‌های ناحیه ای است. بنابراین برنامه‌ریزی ناحیه ای، در میان جوامع مختلف می‌تواند پاسخی به کمبودها و کاستی‌ها در راستای رفع نابرابری‌ها در سطوح مختلف جغرافیایی باشد. با در نظر گرفتن این مطلب از جمله معیارهای برنامه‌ریزی ناحیه ای برای مشخص کردن نابرابری‌ها، تعیین وضعیت مناطق و نواحی بر حسب برخورداری از شاخص‌های توسعه است (زیاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۷۸). در پژوهش حاضر سعی شده است به تحلیل فضایی شاخص‌های توسعه و نقش آن در بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی سکونتگاه‌های عشایری پرداخته شود. توجه به مسائل مربوط به توسعه سکونتگاه‌های عشایری^۱ به عنوان جامعه سوم کشور، که به فراخور موقعیت جغرافیایی خود، ویژگی‌ها و قابلیت‌های متنوعی داشته و از عدم توازن و نابرابری‌های فضایی و ناحیه ای در رنج هستند، ضروری است.

سکونتگاه‌های عشایری به عنوان یکی از فضاها جغرافیایی که در طی زمان سطح زندگی آنان از نظر وضعیت اقتصادی و اجتماعی با جوامع شهری و روستایی شکاف عمیقی داشته است، به دلایلی مانند نیاز به تنوع اقتصادی، فرصت‌های شغلی، افزایش درآمد، امکانات بهداشتی و آموزشی مناسب و ضرورت برقراری ارتباط پویا با جامعه، با مشکلات و مخاطرات فراوانی روبه رو گشته و ناگزیر به مهاجرت شده‌اند، «این مهاجرت نه‌تنها رافع مشکلات نبوده، بلکه معضلات دیگری را برای عشایر و همچنین برای جامعه به همراه داشته است که از آن جمله می‌توان به کاهش تولیدات دامی» (رهایی و همکاران، ۱۳۹۱، ۸۸) و حاشیه‌نشینی در شهرها، اشاره نمود.

۱ - عشایر که اساس معیشت آنان مبتنی بر دامداری است بر اساس یک سلسله روابط و مناسبات اجتماعی - اقتصادی و محیطی در پهنه ای از سرزمین، در یکی از قطب‌های استقرار (بیلاق، قشلاق و میان‌بند) در سکونتگاه مشترکی کنار هم زندگی می‌کنند که سکونتگاه عشایری نام گرفته است. بنابراین این سکونتگاه‌ها که ممکن است بر حسب وضعیت کوچ یا اسکان، چادر، ساختمان خشت و گلی و یا هر دو نوع باشد، حاصل از برآیند مجموعه ای از عوامل و نیروهای طبیعی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است (نگارندگان، ۱۳۹۵).

این سکونتگاه‌ها از جمله عرصه‌های مختلفی است که دولت برای رفع کاستی‌ها و فراهم ساختن رفاه و توسعه، در راستای بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی بر اساس برنامه‌های کوتاه و میان مدت، جهت ارائه امکانات و خدمات، اقدام به اجرای اقدامات مختلف در ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌نماید. بخش قابل توجهی از این اقدامات صرف نظر از سیاست‌گذاری‌ها منجر به اجرای پروژه‌های عمرانی و خدماتی در سطح فضاها و عشایری می‌گردد که هدف آن حل معضلات سکونتگاه‌های عشایری و بسترسازی برای توسعه است. در این راستا انتظار می‌رود که حاصل اقدامات دولت، به بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه عشایری، تثبیت و ماندگاری آنان در سکونتگاه‌ها منجر شود. بدیهی است اگر این فرایند با شناخت چالش‌ها و پتانسیل‌ها و درک ضرورت‌ها به طور خردمندانه هدایت شود، به نفع جامعه عشایری منجر شده و می‌تواند به عنوان یکی از مصادیق تثبیت جمعیت عشایری و جلوگیری از مهاجرت قلمداد شود. بر این اساس، مطالعه نابرابری‌های اقتصادی - اجتماعی نواحی عشایری و «مقایسه سطوح برخورداری آن‌ها، اهمیت زیادی داشته و از اقدامات ضروری و پایه‌ای برای برنامه‌ریزی و اصلاحات در جهت تأمین رفاه همراه با عدالت اجتماعی است که می‌تواند تخصیص منابع را با هدف رفع نابرابری‌ها، تحت تأثیر قرار دهد» (تقوایی و بهاری، ۱۳۹۱: ۱۶).

نوشتار حاضر باهدف کلی تحلیل شاخص‌های خدماتی - درمانی به عنوان معیاری برای تعدیل نابرابری‌ها و نقش آن در بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی عشایر استان اردبیل در پی پاسخگویی به سؤال‌های ذیل تدوین شده است: توزیع فضایی شاخص‌های مورد استفاده در سکونتگاه‌های عشایری استان چگونه بوده است؟ و چه ارتباطی بین توسعه شاخص‌های خدماتی - درمانی و بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی سکونتگاه‌های عشایری وجود دارد؟

مبانی نظری تحقیق

توسعه از مفاهیم عمده و چالش برانگیز برای بشریت است که صورت رقابتی آن برای دستیابی به معیارهای استاندارد زندگی از ابتدای قرن بیستم نمود یافته (Frazier, 1997: 187) و بعد از جنگ جهانی دوم در مباحث علمی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، کشوری و مناسبات و مسائل بین‌المللی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است (مرصوصی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴). فرایند تعریف رهیافت‌ها و مسیرها برای دستیابی به توسعه نیز مقاطع گوناگونی را پشت سر گذاشته به طوری که در غرب به تبعیت از رهیافت‌های به کار گرفته شده توسعه در شوروی سابق که در آن مقطع برای کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای نتایج مثبتی به دنبال داشت، با پیروی از نظریات اقتصادی کینز و حمایت‌های دولت محور نظریات خردگرایی و دخالت همه جانبه دولت در فرایند توسعه و تعریف آن، با استفاده از برنامه ریزی متمرکز، روند دستیابی به توسعه از دهه ۱۹۲۰ وارد مسیر جدیدی شد (مهدی زاده، ۱۳۸۵: ۱۴ - ۲).

در افکار صاحب نظران توسعه، تعابیر مختلفی از واژه توسعه وجود دارد که از آن جمله می‌توان به افزایش تولید، افزایش بازدهی، ارتقاء سطح کمی و کیفی زندگی، ارتقاء سطح خدمات بهداشتی و درمانی، برطرف کردن مشکلات بیکاری و تورم، تأمین نیازهای اقتصادی - اجتماعی، برخورداری از آموزش، فرهنگ و مشارکت فعال در عرصه‌های مختلف اشاره کرد (تودارو، ۱۳۷۸: ۲۳). در تحلیل و تبیین توسعه و توسعه نیافتگی نظریه‌های مختلفی از جمله نظریه اقتصادی رشد و

توسعه نظریه جامعه‌شناسی نوسازی، نظریه‌های مارکسیست و نئومارکسیست، پسااستخارگرایی، پساتوسعه‌گرایی، پسااستعمارگرایی و همچنین نظریه توسعه طرفداری از حقوق زنان وجود دارد که در سطح جهانی و ملی به تبیین توسعه می‌پردازند. نظریه نوسازی، وابستگی و نئوکلاسیک از مشهورترین نظریه‌ها در این زمینه هستند (رضوانی، ۱۳۸۲: ۷۸).

نظریه نوسازی فرآیندی است که جوامع را به دو گروه سنتی و مدرن تقسیم می‌نماید که دسته اول از ویژگی‌هایی همچون بی‌سواد، کم‌بازده، بسته بودن اجتماع، خانواده‌های گسترده و ... برخوردار بوده و دسته دوم دارای ویژگی‌هایی کاملاً متضاد آن هستند که جوامع عشایری در گروه اول قرار دارند و با انجام اسکان (فرآیند نوسازی) وارد مرحله گذار می‌شوند. فرانسیس آبراهام معتقد است فرآیند نوسازی، فرآیندی پیچیده و چند لایه برای توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... است. همچنین راجرز، نوسازی را جریانی می‌داند که طی آن روش زندگی سنتی افراد یک جامعه به سیستمی پیچیده‌تر و از نظر تکنیکی پیشرفته‌تر و متریقی‌تر تحول می‌یابد. افرادی چون آیزنشتات معتقدند که نوسازی از درون گروه‌های قبیله‌ای، جوامع دهقانی، روستایی و با میزان متفاوت شهرنشینی آغاز می‌شود. رابرت وارد، نوسازی را حرکتی به سوی جامعه نو تعریف می‌کند. ویلبرت مور در تعریف نوسازی می‌گوید: نوسازی دلالت بر دگرگونی کامل یک جامعه سنتی و یا ماقبل مدرن به یک جامعه با انواع تکنولوژی و سازمان اجتماعی مربوط به آن دارد و همچنین اسلمسر نیز از دیگر نظریه‌پردازان نوسازی، معتقد است تغییر و جریان نوسازی روی تفکیک کارکردی متمرکز شده و فرآیندی است که در آن واحدهای اجتماعی مستقل و تخصصی شده به جای واحدهای قبلی استقرار می‌یابند (شاطری و حجبی پور، ۱۳۹۰: ۲۱). اقتصاددانان نئوکلاسیک، رشد و توسعه را تحت تأثیر دو عامل سازوکار تعادل و جابجایی می‌دانند که در بلندمدت موجب جریان بین نواحی در یک سرزمین و یا یک کشور، و ایجاد نوعی تعادل بین ناحیه‌ای می‌شود (قنبری و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۷). بر اساس دیدگاه وابستگی، روابط استعماری بین کشورهای مرکز و پیرامون عامل توسعه نیافتگی و تداوم عقب ماندگی این کشورهاست. بخش مهم نظریات وابستگی، وابستگی اقتصادی است که منشأ سایر وابستگی‌ها می‌گردد. بر این اساس ساختار اقتصادی و سیاسی در کشورهای حاشیه‌ای ایجاد می‌گردد که به مقتضای آن، در صحنه خارجی کشورهای حاشیه‌ای دچار وابستگی ساختاری به کشورهای مرکزی می‌گردند (رنجبر، ۱۳۸۴: ۱۳۰). نظریه پردازان نئولیبرالیسم بر این باورند که رشد اقتصادی در گرو کاهش هزینه‌های اجتماعی و افزایش سرمایه‌گذاری اقتصادی است. قابل ذکر است که رویکرد نئولیبرال با توجه به کسری بودجه کشورهای توسعه نیافته و نیاز کشورها به کاهش تورم و حجم دولت، مطرح شد و سپس به عنوان نظریه‌ای برای توسعه عرضه گردید (نظم‌فر و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۳۴). با توجه دیدگاه‌ها و نظریه‌های مورد مطالعه، توسعه فرآیندی جامع از فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، بهداشتی و رفاهی است که هدف آن بهبود زندگی مستمر جمعیت بوده و فعالیت، آزادی، مشارکت، توزیع عادلانه منافع و خدمات از ارکان اساسی آن به شمار می‌رود (زنگی‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۳-۸۴). از این رو، توسعه باید طوری صورت گیرد که ثمرات خود را نصیب همگان سازد و این امر در گرو تدوین (اسماعیل‌نیا و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۶) و اتخاذ برنامه‌هایی کارآمد، منطبق بر واقعیت در جوامع انسانی اعم از شهری، روستایی و عشایری است.

در بین این جوامع، جامعه عشایری مورد مطالعه تحقیق حاضر را می‌توان گونه‌ای از نظام‌های کوچک مبتنی بر بده و بستان تلقی کرد. این سیستم مبتنی بر اقتصاد و سیاست است؛ یعنی اینکه در آن حد تقسیم کار اجتماعی، ساخت‌های حکومت، ارزش‌ها، هنجارها و زبان کم و بیش یکسان‌اند. در این نظام پایه تکنولوژیک رابطه‌ی انسان با محیط ضعیف است و لذا کسب مازاد دشوار می‌نماید؛ تقسیم کار اقتصادی محدود است و اقتصاد با قواعد بده و بستان اداره می‌شود. در چنین ساختاری جامعه از مجموعه‌های کوچک و خانواده‌هایی تشکیل می‌شود که هر کدام برای رفع نیاز خود تولید می‌کنند و به صورت نسبتاً ضعیف از طریق شبکه خویشاوندی، در نظامی بزرگ‌تر به هم پیوسته‌اند (شکور و همکاران، ۱۳۹۲: ۳). توسعه چنین جامعه‌ای که هم اکنون با محرومیت‌های شدیدی مواجه است، می‌توان زمینه‌ساز تغییر و تحول در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خواهد باشد.

پژوهش در زمینه جوامع عشایری قدمت زیادی دارد و تاکنون تحقیق‌های زیادی در مورد کوچ‌زیستان صورت گرفته است. اما اغلب مطالعات انجام‌شده در ارتباط با مسائل اجتماعی، اقتصادی و اسکان عشایر بوده و در زمینه تحلیل سطوح توسعه‌یافتگی جامعه عشایری به لحاظ خدماتی - عمرانی و تأثیر سرمایه‌گذاری انجام شده بر وضعیت اقتصادی و اجتماعی عشایر تحقیقات اندکی صورت گرفته است. در زیر ضمن اشاره به مطالعات انجام شده در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی عشایر در ابتدا به برخی از تحقیق‌های انجام‌شده در تحلیل سطوح توسعه‌یافتگی جامعه عشایری با لحاظ شاخص‌های توسعه اشاره می‌گردد: ضیائیان و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه تحلیل سطوح سرمایه‌گذاری‌های خدماتی و عمرانی جامعه عشایری در استان آذربایجان غربی که به روش کمی انجام شده است، نشان داده‌اند که بهبود وضعیت جامعه عشایری به منظور توسعه متوازن و در راه نیل به عدالت اجتماعی، در کنار ارائه تسهیلات ویژه به عشایر مستلزم آن است که برنامه‌های توسعه‌ای برای هر منطقه عشایری با در نظر گرفتن موقعیت و شرایط جغرافیایی، توانمندی‌های درونی و محیطی آنان و حمایت دستگاه‌های اجرایی از برنامه‌های توسعه‌ای صورت گیرد تا نتیجه مطلوب حاصل گردد. تقی‌لو و موسوی (۱۳۹۴) در پژوهشی به ارزیابی سطوح توسعه‌یافتگی جامعه عشایری استان‌های ایران در ابعاد مختلف اجتماعی - رفاهی، زیربنایی و تکنولوژی در دو دوره بیلاق و قشلاق پرداخته و نشان دادند که ضریب نابرابری توسعه در منطقه قشلاق استان‌های کشور ۰/۴۶۷ و در منطقه بیلاقی ۰/۵۶۷ است و در بین شاخص‌های توسعه، شاخص دسترسی به انرژی و شاخص دسترسی به امکانات ارتباطی و اطلاعاتی در دوره بیلاق و قشلاق بیش‌ترین تأثیر را در توسعه داشته‌اند.

جمشیدی و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان تحلیلی بر اثرگذاری اشتغال زنان مناطق عشایری بر اقتصاد خانوارهای آن‌ها: عشایر شهرستان چراداول را مورد مطالعه قرار داده و در نتایج خود تأثیر اشتغال زنان عشایر در صنایع دستی را بر اقتصاد خانواده‌های شان به دلیل وجود مشکلات موجود تأیید نکرده‌اند. کفیل‌زاده و اسماعیل‌زاده (۱۳۸۱) در تحقیقی که در زمینه اقتصاد تولید بخش عشایر کوچنده و اسکان‌یافته انجام دادند، بدین نتیجه رسیده‌اند که ترکیب دام عشایر اسکان‌یافته و کوچنده متفاوت بوده و در شرایط اسکان، بر سهم گوسفند و گاو عشایر افزوده شده است. آبتکو و یوسپو (۱۹۹۴) در مطالعه‌ای با عنوان عشایر ایران باستان در غرب

آسیای مرکزی، جامعه و اقتصاد عشایر ایران آسیای مرکزی را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده‌اند که پرورش تخصصی احشام و اغنام (دام) به تغییرات عمده اقتصادی و اجتماعی عشایر منجر شده است. عبدالهی (۱۳۸۶)، رضوی (۱۳۷۹)، دهقانیان و کهنسال (۱۳۷۹)، صیادی (۱۳۸۷ و ۱۳۸۹)، کرباسی و نیک‌خواه (۱۳۸۴)، شاطریان و همکاران (۱۳۹۰)، رهایی و همکاران (۱۳۹۱)، صفرزاده (۱۳۹۱)، دفتر جامع مطالعات عشایری و رضایی (۱۳۹۱)، ریاحی و همکاران (۱۳۹۲)، میزبان (۱۳۹۱)، مهدوی (۱۳۸۶) و توکلی و ضیاء توانا (۱۳۸۷)، والکر و جانسن (۲۰۰۱)، کیناهان (۱۹۹۶)، دی‌جی بدونها و اس‌ام اشमित (۲۰۰۰) (۲۰۰۰)، فائو (۱۹۹۹) نیز پژوهش‌هایی در زمینه عشایر انجام داده‌اند.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع کاربردی و روش انجام آن توصیفی - تحلیلی و پیمایشی و گردآوری اطلاعات به صورت اسنادی (کتب، مقاله‌های لاتین و فارسی، منابع اینترنتی و نقشه) و میدانی (مصاحبه، مشاهده و پرسشنامه) بوده است. جامعه آماری مورد مطالعه استان اردبیل بوده که وسعتی معادل ۱,۱ درصد مساحت کشور و حدود ۱,۷ درصد از جمعیت ایران را در خود جای داده است. استان اردبیل از گذشته‌های دور به دلیل موقعیت جغرافیایی، کوهستانی بودن، آب و هوای متنوع و مراتع سرسبز از مراکز مهم کوچ‌زیستی بوده است. طبق آمار به دست آمده در سال ۱۳۸۷ دارای ۱۲۸۱۸ خانوار و ۶۶۵۲۱ نفر جمعیت عشایری است که از دو ایل بزرگ به نام ایل شاهسون با ۹۳,۴ درصد و ایل قره‌داغ با ۱,۵ درصد جمعیت دو طایفه مستقل شاطرانلو با ۳,۸ درصد و طایفه مستقل فولادلو با ۱,۳ درصد جمعیت تشکیل شده است. حجم نمونه در این پژوهش بر اساس فرمول کوکران برابر با ۳۷۰ خانوار از عشایر استان برای ارزیابی نقش شاخص‌های توسعه در بهبود وضعیت اقتصادی - اجتماعی سکونتگاه‌های عشایری بالای ۲۰ خانوار را تشکیل داده است. نمونه‌گیری انجام‌شده از عشایر استان اردبیل منطبق با تخصیص بهینه بر اساس جمعیت و تصادفی ساده بوده است. در تجزیه و تحلیل داده‌ها، پژوهش حاضر ابتدا با استفاده از مدل تصمیم‌گیری چندمعیاره^۱ کوپراس^۲، بر اساس ۱۴ شاخص در قالب ۳ متغیر زیربنایی - ارتباطی، آموزشی - فرهنگی و بهداشتی - درمانی که در جدول شماره ۱ آورده شده است، برای ارزیابی شباهت‌ها بر پایه نمرات شاخص‌های توسعه به طبقه‌بندی سکونتگاه‌ها از نظر میزان دستیابی به خدمات و تعیین میزان برخورداری آن‌ها، مبادرت نموده است. روش کوپراس (ارزیابی نسبی ترکیبی) که در سال ۱۹۹۶ توسط محققان دانشگاه فنی گدمن ویلنیوس، ایجاد شده است همزمان چندین معیار مثبت و منفی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. سادگی روش محاسبه، زمان اندک محاسبه، رتبه‌بندی کامل گزینه‌ها، بهره‌گیری هم‌زمان از معیارهای کمی و کیفی، قابلیت محاسبه معیارهای مثبت و معیارهای منفی به طور جداگانه در فرایند ارزیابی، تخمین درجه

۱- مدل‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره (MCDM) که اغلب مدل‌های تصمیم‌گیری چندهدفه (MCDM) و مدل‌های تجزیه و تحلیل چند معیاره (MCA) نامیده می‌شوند، مجموعه‌ای از روش‌هایی هستند که به تصمیم‌گیرندگان اجازه می‌دهند تا با در نظر گرفتن مجموعه‌ای از معیارهای اغلب متضاد، به انتخاب، رتبه‌بندی ترتیب یا توصیف مجموعه‌ای از گزینه‌ها در فرایند تصمیم‌گیری بپردازند (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۳، ۳۹).

اهمیت هر گزینه به صورت درصد به منظور نشان دادن اندازه بهتر یا بدتر بودن یک گزینه و نیز تطبیق بیشتر با شرایط و واقعیت‌های محلی و تجربی از مزایای روش کوپراس به شمار می‌روند (Mulliner, Smallbone & Maliene, 2012, 5 and Podvezko, 2011, 137-138 and Kumar Dey et al, 2011, 570)

این روش از گام‌های زیر پیروی می‌کند:

گام اول و دوم: تشکیل ماتریس وضع موجود بر اساس معیارهای طراحی شده، بی‌مقیاس سازی (یکسان سازی واحد مقیاس معیارها) و محاسبه وزن هریک از معیارها بر اساس یکی از روش‌های وزن‌دهی.

گام سوم: نرمالیزه کردن ماتریس تصمیم‌گیری بر اساس رابطه مقابل: $d_{ij} = \frac{q_i}{\sum_{j=1}^n x_{ij}} x_{ij}$ گام چهارم: محاسبه مجموع وزن معیار نرمالیزه شده توصیف‌کننده گزینه‌ها؛ گزینه‌هایی که با معیارهای مثبت محاسبه می‌شوند با S_{j+} و گزینه‌هایی که با معیارهای منفی محاسبه می‌شوند با S_{j-} نشان داده می‌شوند. مجموع S_{j+} و S_{j-} بر اساس رابطه‌های زیر محاسبه می‌شوند:

$$S_{j-} = \sum_{zi=-}^n d_{ij} \quad S_{j+} = \sum_{zi=+}^n d_{ij}$$

گام پنجم: رتبه‌بندی مقایسه‌ای گزینه‌ها بر اساس معیارهای مثبت و منفی محاسبه می‌شود. اهمیت نسبی Q_j از هر گزینه طبق فرمول زیر محاسبه می‌گردد:

$$Q_j = S_{j+} + \frac{S_{\min-} \sum_{j=1}^n S_{j-} x}{S_{j-} \sum_{j=1}^n \frac{S_{\min-}}{S_{j-}}} = S_{j+} \frac{\sum_{j=1}^n S_{j-}}{S_{j-} \sum_{j=1}^n \frac{1}{S_{j-}}} + \dots$$

گام ششم: اولویت بندی گزینه‌ها بر اساس مقدار Q_j ؛ با توجه به مقدار Q_j گزینه‌ها از بیشتر به کمتر اولویت بندی می‌شود. بدین معنی که هر اندازه مقدار Q_j بزرگتر باشد، آن رتبه بهتری می‌گیرد.

بعد از تحلیل کوپراس، آنالیز رگرسیون جهت بررسی نقش توزیع فضایی شاخص‌های توسعه در بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی عشایر بر مبنای ۱۴ شاخص و ۲۴ مؤلفه در ابعاد اقتصادی و اجتماعی با توجه به جدول شماره ۲، در نرم‌افزار SPSS به کار گرفته شده است. ابزار اندازه‌گیری در این بخش از پژوهش پرسشنامه بر اساس مقیاس طیف لیکرت بوده است. جهت سنجش پایایی پرسشنامه‌ها از آلفای کرونباخ استفاده شده است که ضریب آن برابر ۰,۹۷ درصد به دست آمد و نشان از پایایی قابل قبول آن است. همچنین در تهیه نقشه‌ها از نرم‌افزار GIS بهره‌گیری شده است.

جدول (۱) شاخص‌های مورد مطالعه

شاخص	متغیر	تحلیل فضایی نقش شاخص‌های توسعه در بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی عشایر
میزان برخورداری از راه مناسب به کیلومتر (راه آسفالته؛ راه شوسه)؛ تعداد مشترکین آب سالم به ازای تعداد آبادی؛ تعداد مشترکین برق به ازای تعداد آبادی؛ تعداد جایگاه سوخت، تعداد مخبرات به ازای تعداد آبادی؛ تعداد مسکن مناسب به ازای تعداد آبادی، تعداد طرح‌های انجام شده به ازای تعداد آبادی	زیربنایی - ارتباطی	
تعداد اماکن مذهبی (شامل: اماکن متبرکه اسلامی، مسجد، تکیه و حسینیه)؛ تعداد مراکز آموزشی به ازای تعداد آبادی؛ تعداد کتابخانه عمومی به ازای تعداد آبادی	آموزشی - فرهنگی	
تعداد خانه بهداشت به ازای تعداد آبادی، تعداد سرویس بهداشتی به ازای تعداد آبادی، تعداد حمام عمومی به ازای تعداد آبادی، تعداد غسلخانه به ازای تعداد آبادی	بهداشتی - درمانی	

◀ منبع: داده‌های سازمان امور عشایری کل کشور، ۱۳۸۷

جدول (۲) شاخص‌ها و مؤلفه‌های مورد مطالعه متغیرهای اقتصادی - اجتماعی

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	متغیر	تحلیل شاخص‌های خدماتی - عمرانی و نقش آن در بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی عشایر
ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، گسترش مشاغل خدماتی، گسترش مشاغل صنعتی، گسترش مشاغل ساختمانی، کاهش بیکاری، افزایش منابع درآمدی، افزایش درآمد مستقیم خانوارها از فعالیت‌های دامپروری و کشاورزی، تعداد شغل‌های بخش دامپروری و کشاورزی، افزایش تولید فرآورده‌های شیری و پشم، افزایش سطح تولید محصولات دامی، افزایش سطح تولید محصولات کشاورزی، افزایش سطح تولید صنایع دستی، حمایت دولت به لحاظ منابع مالی و اعتباری، فقدان حمایت دولت از مردم، فقدان منابع مالی لازم	ایجاد اشتغال، بیکاری، افزایش درآمد، تولید، افزایش رفاه و کیفیت زندگی مردم، دولت، منابع مالی	اقتصادی	
میزان رضایت عشایر از سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته، سطح دانش و آگاهی مردم، امکان تحصیل خود، امکان تحصیل فرزندان، میزان دسترسی به خدمات محله‌ای، دسترسی به مراکز بهداشتی و درمانی، میزان افزایش امکانات رفاهی و کیفیت زندگی، میزان تأثیر خدمات زیربنایی در ماندگاری، میزان تأثیر طرح بهسازی در ماندگاری، میزان تأثیر امکانات آموزشی در ماندگاری	رضایت، دانش و آگاهی، سوادآموزی، گسترش خدمات محله‌ای، ماندگاری	اجتماعی	

◀ منبع: تحقیقات پیشین و یافته‌های نگارندگان، ۱۳۹۵

یافته‌های تحقیق

در مرحله اول بر اساس شاخص‌هایی که در جدول شماره ۱ آمده است، داده‌ها گردآوری و بعد با تلفیق آن‌ها، ماتریس وضع موجود تشکیل (جدول ۳) و بی‌مقیاس شده و سپس توسط ده نفر از کارشناسان سازمان امور عشایری وزن دهی شده‌اند (جدول ۴).

جدل ۳) ماتریس وضع موجود منطقه مورد مطالعه

سکونتگاه‌های عشایری						Max and Min	معیار
جمع کل	بیله سوار	پارس آباد	مشکین شهر	خلخال	گرمی		
۱۶۴	۲۹	۷۵	۲۶	۱۶	۱۶	+	آب آشامیدنی
۲۱۸	۴۲	۱۰۵	۳۱	۱۶	۲۴	+	مرکز آموزشی
۲۲۴	۵۰	۱۰۳	۳۱	۱۶	۲۴	+	برق
۲۲۷	۵۱	۱۰۵	۳۱	۱۶	۲۴	+	مخابرات
۱۶۳	۳۰	۶۹	۳۱	۱۶	۱۷	+	مسجد
۶۱	۶	۲۵	۱۶	۱۳	۱	+	خانه بهداشت
۲۱۱	۵۰	۹۰	۳۱	۱۶	۲۴	+	مسکن مناسب
۲۴	۵	۶	۸	۱	۴	+	طرح‌های
۱۴۴	۳۷	۷۰	۲۲	۳	۱۲	+	جایگاه سوخت
۱۱۷	۲۶	۶۰	۲۰	۵	۶	+	حمام
۱۲	۲	۶	۲	۱	۱	+	کتابخانه
۲۲۷	۵۱	۱۰۵	۳۱	۱۶	۲۴	+	سرویس بهداشتی
۱۲۴	۱	۱۰۵	۱۵	۱	۱	+	غسالخانه
۱۰۸	۲۰	۴۰	۲۳	۱۶	۹	-	راه مناسب

منبع: سازمان امور عشایر ایران، ۱۳۸۷

جدول ۴) نتایج وزن دهی ماتریس وضع موجود

معیار	آب آشامیدنی	مرکز آموزشی	برق	مخابرات	مسجد	خانه بهداشت	مسکن مناسب	طرح‌های	جایگاه سوخت	حمام	کتابخانه	سرویس بهداشتی	غسالخانه	راه ارتباطی
Max and Min	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
وزن	۰,۰۸	۰,۰۹	۰,۱	۰,۰۸	۰,۰۶	۰,۰۹	۰,۱	۰,۰۸	۰,۰۴	۰,۰۳	۰,۰۳	۰,۰۸	۰,۰۴	۰,۰۷

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

در مرحله دوم ابتدا به منظور یکسان‌سازی واحد اندازه‌گیری، داده‌های مورد استفاده (ماتریس وضع موجود) بی‌مقیاس شده و تشکیل استاندارد را داده و سپس ماتریس جدید نرمال‌سازی شده است. بعد از استاندارد و نرمالیزه‌سازی داده‌ها، جهت تبدیل معیارهای منفی به مثبت، معیارهای دارای ارزش منفی در وزن خودشان ضرب شده و ارزش‌های مثبت و منفی به صورت سطری با هم جمع جبری شده‌اند. مجموع وزن‌های ۵ گزینه (سکونتگاه عشایری) به ازای ۱۳ معیار مثبت (+Sj) و ۱ معیار منفی (-Sj) در جدول ۴ آورده شده است. نهایتاً با توجه به نتیجه Qi گزینه‌ها از بیشتر به کمتر اولویت‌بندی می‌شوند. بدین معنی که هر اندازه مقدار Qi بیشتر باشد، آن گزینه بهتر ارزیابی شده است (جدول ۵).

جدول ۵) نتایج به دست آمده از ارزیابی چندمعیاره سکونتگاه‌های عشایری استان اردبیل

	جم	گرمی	خلخال	مشکین‌شهر	پارس‌آباد	بیله سوار
S_{+j}	$S^+ = \sum_{j=1}^n S_{+j} = ۰,۳۱۹۸۷۱$	۰,۰۶۹۶۰۶	۰,۰۶۵۰۲۵	۰,۰۶۴۰۶۳	۰,۰۵۷۸۵۸	۰,۰۶۳۳۲
S_{-j}	$S^- = \sum_{j=1}^n S_{-j} = ۰,۰۲۱۶۶۶$	۰,۰۰۴۳۵۳	۰,۰۰۰۰۶۴۷	۰,۰۰۰۸۰۰۵	۰,۰۰۳۴۹۹	۰,۰۰۵۱۶۱
Q_j	$Q = \sum_{j=1}^n Q_j = ۰,۰۳۴۱۵۴$	۰,۰۷۱۶۹۶	۰,۰۷۹۰۹۹	۰,۰۶۵۲	۰,۰۶۰۴۵۹	۰,۰۶۵۰۸۳
رتبه	۱۵	۲	۱	۳	۵	۴

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

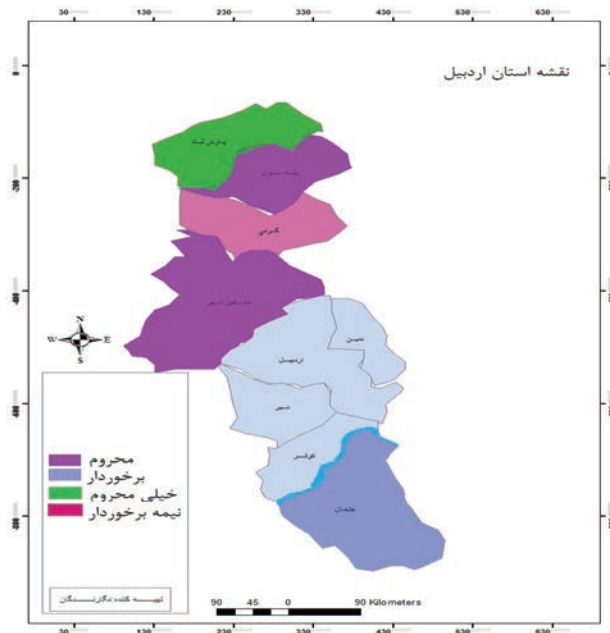
هر چه مقدار Q_i به دست آمده به یک نزدیک‌تر باشد نشان‌دهنده درجه توسعه‌یافتگی یا برخوردارگی بالاتر و هر چه به صفر نزدیک‌تر باشد نشان‌دهنده درجه توسعه‌یافتگی کمتر است (توسعه‌یافتگی بیشتر $0 \leq Q_i \leq 1$ توسعه‌یافتگی کمتر). در گام آخر سکونتگاه‌های عشایری شهرستان‌های استان اردبیل بر اساس مقدار Q_i سطح‌بندی شده است. (جدول ۶ و شکل ۱).

جدول ۶) رده بندی سطوح برخوردارگی سکونتگاه‌های عشایری استان اردبیل

سطوح برخوردارگی		Q_i
پارس‌آباد	خیلی محروم	۰,۶۰۵ - ۰,۶۰۴
مشکین‌شهر، بیله‌سوار	محروم	۰,۶۰۹ - ۰,۶۰۵
گرمی	نیمه برخوردار	۰,۷۴ - ۰,۶۹
خلخال	برخوردار	۰,۷۹ - ۰,۷۴

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

شکل ۱) سطح برخوردارگی سکونتگاه‌های عشایری شهرستان‌های استان اردبیل



منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

نتایج حاصل از ارزیابی و تحلیل مناطق مورد مطالعه با استفاده از مدل کوپراس به خوبی با واقعیت‌های موجود منطبق است. نتایج نشان می‌دهد که سکونتگاه‌های عشایری شهرستان‌های خلخال و گرمی در رتبه‌های ۱ و ۲ در سطح «برخودار و نیمه برخوردار» قرار دارند. از دلایل آن می‌توان به نیمه کوچ‌نشین بودن، سبک زندگی روستایی و فروپاشی نظام ایلی اشاره نمود. موارد ذکر شده از عوامل مهم برخورداری این شهرستان‌ها از شاخص‌های توسعه هستند. آنچه مهم بوده، این است که سکونتگاه‌های این شهرستان‌ها بیشترین نمره خام را از لحاظ برخورداری از امکانات و خدمات داشته‌اند و از سطح بالای امکانات آموزشی - فرهنگی، زیربنایی - ارتباطی و بهداشتی - درمانی برخوردار هستند. در مقابل سکونتگاه‌های عشایری شهرستان‌های پارس‌آباد و بیله سوار با رتبه ۴ و ۵ در سطح محروم و خیلی محروم قرار دارند. از دلایل مهم محرومیت عشایر پارس‌آباد می‌توان به کوچ رو بودن عشایر و سبک زندگی مبتنی بر کوچ بلند اشاره نمود. می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که سکونتگاه‌های عشایری مورد مطالعه از نظر شاخص‌های بکار برده شده در یک طیف موازی قرار نگرفته و فاصله قابل‌توجهی بین عشایر نیمه کوچ‌نشین و کوچ زیست وجود دارد طوری که اختلاف رتبه سکونتگاه‌های عشایری خلخال در جایگاه «سکونتگاه‌های برخوردار» با سکونتگاه‌های عشایری پارس‌آباد در جایگاه «سکونتگاه‌های خیلی محروم»، قابل چشم‌پوشی نبوده و توجه مسئولین امر را با حفظ فرهنگ و قابلیت‌های بومی عشایر، در جهت رفع عدم توازن و محرومیت‌زدایی و بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی در راستای تقویت نیمه کوچ‌نشینی و در اولویت برنامه‌ریزی‌ها را طلب می‌نماید.

با رتبه‌بندی سکونتگاه‌های عشایری استان اردبیل بر حسب برخورداری آن‌ها بر اساس هر یک از متغیرهای مورد مطالعه با ۱۴ شاخص در سه گروه (زیربنایی - ارتباطی)، (آموزشی - فرهنگی) و (بهداشتی - درمانی) می‌توان مقدار Qi هر یک از سکونتگاه‌ها را به طور جداگانه محاسبه نموده و تفسیر روشن تری نسبت به سطوح برخورداری سکونتگاه‌ها به دست آورد (جدول ۷).

بیشترین مقدار Qi از نظر خدمات زیربنایی - ارتباطی به سکونتگاه‌های عشایری شهرستان گرمی، از نظر خدمات آموزشی - فرهنگی و خدمات بهداشتی - درمانی به شهرستان خلخال تعلق دارد و سایر سکونتگاه‌های عشایری شهرستان‌ها در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند که حاکی از توزیع نامناسب این خدمات و امکانات در سکونتگاه‌های عشایری استان اردبیل است.

جدول ۷) جایگاه هر یک از شهرستان‌ها بر حسب برخورداری از شاخص‌های مورد مطالعه

Qi	وضعیت توسعه هر یک سکونتگاه‌های عشایری شهرستان‌ها از نظر خدمات زیربنایی - ارتباطی	
۰,۰۶۶۶ - ۰,۰۶۲۷	خیلی محروم	خلخال
۰,۰۷۰۵ - ۰,۰۶۶۶	محروم	مشکین شهر
۰,۰۷۴۴ - ۰,۰۷۰۵	نیمه برخوردار	بیله سوار، پارس‌آباد
۰,۰۷۸۳ - ۰,۰۷۴۴	برخوردار	گرمی

Qi	وضعیت توسعه هر یک سکونتگاه‌های عشایری شهرستان‌ها از نظر خدمات آموزشی - فرهنگی	
۰,۰۶۴۴ - ۰,۰۵۵۸	خیلی محروم	بيله سوار، گرمی، پارس آباد
۰,۰۷۳۰ - ۰,۰۶۴۴	محروم	مشکین شهر
۰,۰۸۱۶ - ۰,۰۷۳۰	نیمه برخوردار	—
۰,۰۹۰۲ - ۰,۰۸۱۶	برخوردار	خلخال
Qi	وضعیت توسعه هر یک سکونتگاه‌های عشایری شهرستان‌ها از نظر خدمات بهداشتی - درمانی	
۰,۰۶۷۷ - ۰,۰۵۷۰	خیلی محروم	پارس آباد، بيله سوار
۰,۰۷۸۴ - ۰,۰۶۷۷	محروم	مشکین شهر، گرمی
۰,۰۸۹۱ - ۰,۰۷۸۴	نیمه برخوردار	—
۰,۰۹۹۹ - ۰,۰۸۹۱	برخوردار	خلخال

◀ منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

بر اساس این سؤال تحقیق که تصریح می‌کند توزیع فضایی امکانات و خدمات به لحاظ شاخص‌های توسعه در افزایش وضعیت اقتصادی - اجتماعی سکونتگاه‌های عشایری تأثیر دارد، وضعیت اقتصادی - اجتماعی مردم را با ۲۴ مؤلفه اقتصادی - اجتماعی چون میزان افزایش فرصت شغلی، میزان افزایش منابع درآمدی، میزان افزایش تولید در بخش‌های مختلف اقتصادی، میزان تأثیر هر کدام از حوزه‌های مختلف در افزایش ماندگاری مردم در روستاها و ... به صورت توصیفی مورد بررسی و کنکاش قرار داده است که داده‌های حاصل از آن در جدول (۸) آمده است. یافته‌های این بخش نشان می‌دهد که توزیع فضایی امکانات و خدمات تنها در برخی از جنبه‌ها چون افزایش میزان تحصیل فرزندان، میزان دسترسی به خدمات محله‌ای (آموزشی، بهداشتی و ...)، افزایش خدمات زیربنایی - ارتباطی، افزایش امکانات آموزشی و نقش آن‌ها در ماندگاری مردم در روستا، به ترتیب با میانگین‌های ۳,۸۲، ۳,۲۰، ۲,۷۶، ۳,۵۶ موفقیت‌آمیز بوده و مثبت ارزیابی شده است بطوریکه همین عوامل را عاملی بر ماندگاری در روستا و کاهش مهاجرت قلمداد نموده‌اند. بر اساس یافته‌های به دست آمده میزان رضایت مردم از فرصت‌های شغلی ایجادشده، افزایش تولید محصولات دامی، کشاورزی، صنایع دستی در حد کم و بسیار کم بوده است. بطوریکه در طی مصاحبه‌های انجام‌شده اکثریت مردم این امر را به دلیل عدم حمایت دولت به لحاظ منابع مالی، اعتباری، عدم ایجاد فرصت‌های شغلی جدید عنوان کرده‌اند.

جدول ۸) وضعیت اقتصادی - اجتماعی سکونتگاه‌های عشایری استان اردبیل

انحراف معیار	میانگین	طیف ارزیابی					متغیر
		بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	
۰,۶۵۹	۱,۸۸	۰,۲۸	۰,۵۶	۰,۱۶			میزان افزایش منابع درآمدی
۰,۶۴۷	۱,۷۰	۰,۴۰	۰,۵۰	۰,۱۰			افزایش درآمد مستقیم خانوارها از فعالیت‌های دامپروری و کشاورزی
۰,۷۴۶	۱,۸۸	۰,۳۴	۳۸,۶	۰,۴۲			افزایش فرصت شغلی
۰,۵۵۳	۳,۹۸			۰,۱۶	۰,۷۰	۰,۱۴	تعداد شغل‌های بخش دامپروری و کشاورزی
۰,۵۴۸	۱,۸۴	۰,۲۴	۰,۶۸	۰,۸			تعداد شغل‌های بخش صنایع
۰,۴۵۴	۲,۲۸		۰,۷۲	۰,۲۸			تعداد شغل‌های بخش خدمات
۰,۴۱۸	۲,۲۲		۰,۷۸	۰,۲۲			تعداد شغل‌های بخش ساختمان
۰,۴۹۵	۲,۴۰		۰,۶۰	۰,۴۰			کاهش بیکاری
۰,۴۷۱	۲,۳۲		۰,۶۸	۰,۳۲			افزایش تولید فرآورده‌های شیری (کشک، ماست، کره، روغن)
۰,۴۰۴	۲,۲۰		۰,۸۰	۰,۲۰			افزایش سطح تولید محصولات دامی
۰,۴۹۰	۲,۳۸		۰,۶۲	۰,۳۸			افزایش سطح تولید محصولات کشاورزی
۰,۳۷۰	۲,۱۶		۰,۸۴	۰,۱۶			افزایش سطح تولید محصولات صنایع دستی
۰,۶۷۰	۴,۱۴	۰,۳۰	۰,۵۴	۰,۱۶			میزان حمایت دولت از مردم
۰,۵۰۱	۴,۵۶				۰,۴۴	۰,۵۶	میزان فقدان منابع مالی لازم
۰,۵۴۸	۱,۸۴	۰,۲۴	۰,۶۸	۸,۰			میزان رضایت عشایر از سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته
۰,۶۳۸	۳,۹۶			۲۲,۰	۰,۶۰	۰,۱۸	میزان دانش و آگاهی مردم

۰,۴۰۴	۲,۲۰		۰,۸۰	۲۰,۰		امکان تحصیل خود
۰,۶۲۹	۳,۸۲			۳۰,۰	۰,۵۸	امکان تحصیل فرزندان
۰,۹۶۹	۳,۲۰		۰,۳۸	۰,۴	۰,۵۸	میزان دسترسی به خدمات محله‌ای (آموزشی، درمانی، بهداشتی)
۰,۱۹۸	۲,۰۴		۰,۹۶	۴,۰		میزان دسترسی به مراکز بهداشتی و درمانی
۰,۳۸۸	۱,۱۸	۰,۸۲	۰,۱۸			میزان افزایش امکانات رفاهی و کیفیت زندگی
۰,۶۸۷	۲,۷۶		۰,۳۸	۴۸,۰	۰,۱۴	میزان تأثیر افزایش خدمات زیربنایی در ماندگاری
۰,۴۷۱	۲,۶۸		۰,۳۲	۶۸,۰		میزان تأثیر طرح بهسازی در ماندگاری
۰,۸۱۸	۴,۰۶			۰,۳۰	۰,۳۴	میزان تأثیر افزایش امکانات آموزشی در ماندگاری

◀ منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

در ادامه این بخش از پژوهش جهت بررسی این امر که توزیع فضایی شاخص‌های خدماتی - عمرانی تا چه اندازه در بهبود وضعیت اقتصادی - اجتماعی مردمان عشایری تأثیر دارد، از ضریب همبستگی پیرسون و آنالیز رگرسیون استفاده به عمل است. در این مرحله قبل از انجام محاسبه همبستگی و انجام تحلیل رگرسیون، از نمودار پراکنش جهت مشخص شدن نوع رابطه (خطی یا غیرخطی) و پراکندگی داده‌ها استفاده به عمل آمده است. نتیجه حاکی از رابطه خطی بین متغیرهای وضعیت اقتصادی - اجتماعی و توزیع فضایی شاخص‌های خدماتی - عمرانی، جهت استفاده از آنالیز رگرسیون برقرار بوده است.

با توجه به نتایج به دست آمده از ضریب همبستگی پیرسون، مقدار همبستگی بین دو متغیر «وضعیت اقتصادی و اجتماعی» و «توزیع فضایی شاخص‌های خدماتی - عمرانی»، برابر با ۰,۹۵ بود که همبستگی مثبتی را نشان داده و در یک راستا حرکت می‌کنند. از طرف دیگر مقدار سطح معناداری آزمون همبستگی مذکور با سطح اطمینان ۰,۹۹ درصد، ۰,۰۰۰ است. نتیجه ضریب همبستگی پیرسون نشان‌دهنده‌ی رابطه بین متغیرها و همبسته بودن آن‌ها است.

با توجه به جدول ۹ مقدار سطح معناداری در آنالیز رگرسیون (۰,۰۰۰) کمتر از ۰,۰۵ است. ضرایب استاندارد شده نشان می‌دهد که توزیع فضایی امکانات و خدمات به لحاظ شاخص‌های مورد مطالعه با ۰,۹۵ درصد در بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی تغییر ایجاد می‌نماید؛ یعنی به ازای هر واحد تغییر توزیع فضایی شاخص‌های خدماتی - عمرانی، ۰,۹۵ درصد تغییر وضعیت اقتصادی و اجتماعی ایجاد می‌شود. بدین ترتیب با توجه به نتایج به دست آمده، مدل رگرسیونی به صورت زیر ارائه می‌شود:

$$Y = 1,013 + 0,053 - (بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی)$$

جدول ۹) اثرگذاری توزیع فضایی شاخص‌های خدماتی - عمرانی بر وضعیت اقتصادی و اجتماعی سکونتگاه‌های عشایری

مدل رگرسیون	ضریب استاندارد نشده		ضریب استاندارد	آماره t	Sig
	B	خطای معیار	Beta		
مقدار (ثابت)	-۰,۰۵۳	۰,۱۵		-۳,۶۱۰	۰,۰۱
توزیع فضایی شاخص‌های خدماتی - عمرانی	۱,۰۱۳	۰,۰۰۶	۰,۹۵	۱۷۳,۶۴۵	۰,۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

با توجه به نتایج حاصل از نظرسنجی مردم و نتایج حاصل از توزیع فضایی شاخص‌های خدماتی - عمرانی در سکونتگاه‌های عشایری تنها در برخی از جنبه‌های اجتماعی چون افزایش میزان تحصیل فرزندان، میزان دسترسی به خدمات محله‌ای (آموزشی، بهداشتی و ...)، موفقیت‌آمیز بوده است اما توزیع فضایی شاخص‌های خدماتی - عمرانی با متغیرهای اقتصادی چندان همخوانی نداشته است و در حد خیلی کمی باعث افزایش تولید محصولات دامی، کشاورزی و صنایع دستی و فرصت‌های شغلی شده است. در این جنبه‌ها نابرابری‌های عمیقی بین سکونتگاه‌های واقع در سطح اول و آخر وجود داشته و در طیف موازی قرار نگرفته‌اند، از این رو، این امر می‌تواند عاملی بر مهاجرت عشایر از سکونتگاه‌ها باشد. در این راستا، لازم است در برنامه‌ریزی‌های توسعه عشایری با فعال شدن کسب‌وکار، بسترهای تولیدی در روستاها مورد توجه ویژه‌ای قرار گیرند تا با تولید اشتغال و درآمدزایی، رغبت عشایر به ماندن در سکونتگاه‌ها بیشتر شود. نتایج نشان می‌دهد که سکونتگاه‌های عشایری شهرستان‌های مورد مطالعه از نظر شاخص‌های به کار برده شده در یک طیف موازی قرار نگرفته و فاصله قابل توجهی بین آن‌ها وجود دارد و توزیع فضایی شاخص‌های خدماتی - عمرانی در سکونتگاه‌ها در بعد اجتماعی - فرهنگی (در زمینه شاخص‌های آموزشی و زیربنایی - ارتباطی و بهداشتی درمانی) بیشتر بوده و به بعد اقتصادی به‌ویژه به اشتغال و درآمد جز در موارد اندک توجه چندانی نشده است. این امر قابل چشم‌پوشی نبوده و توجه مسئولین امر را در اولویت برنامه‌ریزی‌ها طلب می‌نماید.

نتیجه‌گیری

محاسبات انجام شده با استفاده از روش ارزیابی چندمعیاره کوپراس، نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری‌های عمرانی - درمانی جهت بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی سکونتگاه‌های عشایری شهرستان‌های مورد مطالعه در طوایفی رضایت‌بخش بوده است که نظام ایلی دچار فروپاشی شده و از خدمات ارائه شده، بهره بیشتری برده‌اند. طایفه فولادلو و شاطرانلو در شهرستان خلخال نمونه بارز چنین وضعیتی است. از این رو، سکونتگاه‌های عشایری خلخال

با دارا بودن نظام طایفه‌ای و اسکان یافتن عشایر با رتبه ۱ در سطح توسعه «برخودار» قرار دارند؛ و سکونتگاه‌های عشایری شهرستان‌های بیله‌سوار و پارس‌آباد به دلایلی چون کوچ بلند و دارا بودن نظام ایلی با رتبه‌های ۴ و ۵ در سطح محروم و خیلی محروم از شاخص‌های توسعه قرار گرفته‌اند. در سکونتگاه‌های مورد مطالعه از نظر خدمات زیربنایی - ارتباطی عشایر گرمی در سطح برخوردار و عشایر خلخال در سطح خیلی محروم از توسعه قرار گرفته‌اند که این امر دلیل بر کمبود و توزیع نامناسب خدمات در سطح سکونتگاه‌های عشایری بوده است. در ارتباط با خدمات آموزشی - فرهنگی نیز اختلاف چشمگیری بین سکونتگاه‌ها مشاهده می‌شود. به نحوی که سکونتگاه‌های عشایری خلخال در سطح خیلی محروم از شاخص‌های توسعه قرار دارند و همچنین از نظر خدمات بهداشتی - درمانی نیز سکونتگاه‌های عشایری شهرستان خلخال در سطح برخوردار و پارس‌آباد و بیله‌سوار در سطح خیلی محروم از شاخص‌های توسعه جای گرفته‌اند به طوری که کمبود این نوع امکانات در این سکونتگاه‌ها بسیار مشهود است. این نتیجه بیانگر آن است که خدمات و امکانات توسعه به طور مطلوب در همه سکونتگاه‌های عشایری توزیع نشده و آن‌ها در تنگنا قرار دارند.

در نوشتار حاضر، بعد از طبقه‌بندی سکونتگاه‌های عشایری مورد مطالعه با مدل کوپراس، با نظرسنجی از مردم و ضریب همبستگی پیرسون و آنالیز رگرسیون به بررسی تأثیر توزیع فضایی امکانات و خدمات به لحاظ شاخص‌های مورد مطالعه در وضعیت اقتصادی - اجتماعی سکونتگاه‌ها پرداخته شد که نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد بین دو متغیر «وضعیت اقتصادی و اجتماعی» و «توزیع فضایی شاخص‌های خدماتی - عمرانی»، با ۰٫۹۵ درصد همبستگی مثبتی وجود داشته و در یک راستا حرکت می‌کنند. همچنین نتایج ضرایب استاندارد شده رگرسیون نشان می‌دهد که شاخص‌های متغیر اجتماعی با ۰٫۵۰۸ بیشترین تأثیر را پذیرفته‌اند، اما سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته به لحاظ شاخص‌های توسعه با متغیرهای اقتصادی چندان همخوانی نداشته است به طوری که در حد خیلی کمی باعث افزایش تولید محصولات دامی، کشاورزی و صنایع دستی و افزایش فرصت‌های شغلی شده است بطوریکه در این جنبه‌ها نابرابری‌های عمیقی بین سکونتگاه‌های واقع در سطح اول و آخر وجود داشته و در طیف موازی قرار نگرفته‌اند که این امر نتایج منفی چون مهاجرت را در پی داشته است. از این رو لازم است در اولویت برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای قرار گیرد تا با افزایش فرصت‌های شغلی، تولید و درآمدزایی، انگیزه مردم به ماندن در سکونتگاه‌ها قوی‌تر شود.

نهایتاً نتیجه گرفته می‌شود که توزیع فضایی شاخص‌های توسعه (خدماتی - عمرانی) در سکونتگاه‌های عشایری بعد اجتماعی - فرهنگی (در زمینه‌های آموزشی و زیربنایی - ارتباطی و بهداشتی درمانی صورت گرفته است) تا حدودی مطلوب بوده و در بعد اقتصادی به‌ویژه اشتغال و درآمد نامطلوب بوده و مورد توجه چندان قرار نگرفته است. بنابراین لازم است در تدوین برنامه‌های توسعه در حوزه عشایر این موارد مورد توجه قرار گیرد. در پایان با توجه به نتایج حاصل از تحقیق، جهت رفع محرومیت و جلوگیری از مهاجرت ساکنان سکونتگاه‌های عشایری به سایر مناطق و بالابردن انگیزه ماندگاری و همچنین ایجاد فرصت شغلی، پیشنهاد می‌شود در جهت اسکان نسبی، به توسعه نیمه کوچ‌نشینی توجه بیشتری شده و مورد عنایت و آفری قرار گیرد، زیرا که کوچ‌نشینی مطلق در شرایط کنونی قدرت تداوم نداشته و سرمایه‌گذاری در جوامع نیمه کوچ‌نشین زودتر و بهتر نتیجه می‌دهد، از این رو لازم است مورد مذاقه برنامه‌ریزان و مسئولین دولتی قرار گیرد.

منابع

- ◀ اسماعیل نیا، حسین؛ شیخ علی، مرتضی (۱۳۹۲): تنگناهای توسعه جامعه عشایری و راه‌حل‌های آن در ایران، فصلنامه نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، سال ۱۱، شماره ۴۰، صص ۲۳ - ۱۶.
- ◀ پورطاهری، مهدی؛ حاجی نژاد، علی؛ فتاحی، احدالله، رضا، نعمتی (۱۳۹۳): ارزیابی آسیب‌پذیری فیزیکی سکونتگاه‌های روستایی در برابر مخاطرات طبیعی (زلزله) با استفاده از مدل تصمیم‌گیری کوپراس (مطالعه موردی: روستاهای دهستان چالان چولان شهرستان درود)، برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره ۱۸، شماره ۳، صص ۵۲ - ۳۱.
- ◀ تودارو، مایکل (۱۳۷۸): توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، سازمان برنامه و بودجه.
- ◀ توکلی، جعفر، ضیاءتوانا، محمد حسن (۱۳۸۷): پیامدهای فضایی اسکان عشایر در استان چهارمحال بختیاری، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۱، ۸۶ - ۵۳.
- ◀ تقیولو، علی‌اکبر و میرنجف موسوی، (۱۳۹۴): ارزیابی سطوح مختلف توسعه‌یافتگی در ابعاد مختلف اجتماعی - رفاهی، زیربنایی و تکنولوژیکی جامعه عشایری استان‌های ایران، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۱۸۰ - ۱۶۳.
- ◀ تقوایی، مسعود؛ بهاری، عیسی (۱۳۹۱): سطح‌بندی و سنجش درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان مازندران با استفاده از مدل تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، سال ۲۳، پیاپی ۴۸، شماره ۴، صص ۳۸ - ۱۵.
- ◀ جمشیدی، علی‌رضا؛ صیدایی، سید اسکندر؛ جمشیدی، معصومه؛ جمینی؛ داوود (۱۳۹۲): تحلیلی بر اثرگذاری اشتغال زنان مناطق عشایری بر اقتصاد خانوارهای آن‌ها (مطالعه موردی: عشایر شهرستان چراداول)، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال سوم، شماره ۱۲، صص ۹۲ - ۸۳.
- ◀ دهقانیان، سیاوش؛ کهنسال، محمدرضا (۱۳۷۹): بررسی اقتصاد تولید عشایر خراسان، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۱۰۶ - ۷۵.
- ◀ دفتر مطالعات جامع عشایری و پژمان رضایی (۱۳۹۱): ارزیابی برنامه ساماندهی عشایر در کانون‌های توسعه، فصلنامه عشایری (ذخایر انقلاب)، شماره ۵۷، صص ۳۹ - ۹.
- ◀ رنجبر، مقصود (۱۳۸۴): چالش‌های استقلال ما از دیدگاه نظریه‌های وابستگی و جهانی شدن، مجله راهبرد، شماره ۳۷، صص ۱۵۸ - ۱۲۸.
- ◀ رضوی، محمد (۱۳۷۹): اقتصاد خانوار عشایر ساکن در مراتع بیلاقی شمال شهرستان سمنان و نقش خیل در آن، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه سال هشتم، شماره ۳، صص ۳۰۳ - ۲۸۹.
- ◀ رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۲): تعیین و تحلیل برخورداری نواحی روستایی استان زنجان، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۱.
- ◀ رهایی، مجید؛ رشیدی، علی؛ طاهریان، غلامعلی (۱۳۹۱): پیامدهای ناشی از اسکان غیررسمی عشایر در شهرهای استان سمنان، فصلنامه دانش انتظامی، سال دوم، شماره ۶، صص ۹۹ - ۸۷.
- ◀ ریاحی، وحید؛ احمدی، راشد؛ عزمی، آئیژ (۱۳۹۲): بررسی نقش طرح‌های اسکان در توسعه اقتصادی و اجتماعی عشایر، مطالعه موردی: کانون‌های اسکان استان کهگیلویه و بویراحمد، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی سال ۱۳، شماره ۲۸، صص ۱۱۲ - ۹۵.
- ◀ زنگی آبادی، علی؛ بهاری، عیسی؛ قادری، رضا (۱۳۹۲): تحلیل فضایی و سطح بندی شاخص‌های بهداشتی و درمانی با استفاده از GIS، تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۸، شماره اول، صص ۱۰۶ - ۷۶.
- ◀ زیاری، کرمانتاله؛ پرهیز، فریاد؛ مهدنژاد، حافظ (۱۳۸۸): مبانی و تکنیک‌های برنامه‌ریزی شهری، انتشارات دانشگاه بین‌المللی چابهار، چاپ اول، چابهار.

- ◀ زیاری، کرامت اله؛ جلالیان، اسحاق (۱۳۸۷): مقایسه شهرستان‌های استان فارس بر اساس شاخص‌های توسعه ۷۵-۱۳۵۵، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۱۱، صص ۷۷-۸۸.
- ◀ شاطری، مفید، حجی پور، محمد (۱۳۹۰): اثرات اقتصادی - اجتماعی طرح‌های اسکان بر جوامع عشایری (مطالعه موردی: شهرک ناز دشت سربیشه در استان خراسان جنوبی)، فصلنامه علمی و پژوهشی جغرافیای انسانی، سال سوم، شماره دوم، صص ۲۹-۱۷.
- ◀ شاطریان، محسن؛ گنجی پور، محمود؛ اشنویی، امیر (۱۳۹۰): تبیین پیامدهای فضایی احداث شهرک‌های عشایری برای روستاهای پیرامونی: مطالعه موردی روستاهای بخش مرکزی شهرستان کوهرنگ، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۴، شماره ۳، صص ۱۵۰-۱۳۳.
- ◀ شکور، علی؛ طیبی، حمیدرضا؛ باقرزاده، محمدصادق؛ واحدپور، غلامعباس (۱۳۹۲): سنجش عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر اسکان عشایر در استان فارس، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال سوم، شماره ۹، صص ۱۱-۱.
- ◀ صفرزاده، میرولی (۱۳۹۱): نقش و جایگاه مدیریت جهادی در ایجاد امکانات و خدمات زیربنایی در مناطق عشایری، فصلنامه عشایری (ذخایر انقلاب)، شماره ۵۷، صص ۱۳۲-۱۰۱.
- ◀ صیدایی، سید اسکندر (۱۳۸۷): چشم‌انداز جامعه عشایری ایران در افق ۲۰ سال آتی، نشریه علوم جغرافیایی، ج ۹، شماره ۱۲، صص ۱۶۶-۱۴۷.
- ◀ صیدایی، سید اسکندر (۱۳۸۹): بررسی مسایل اساسی کنون‌های اسکان عشایر و ارائه راهکارهای علمی و کاربردی (نمونه‌های مورد مطالعه: بکان، گل افشان و قراب)، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۵، شماره ۲، پیاپی ۹۷، صص ۱۶۶-۱۳۹.
- ◀ ضیائیان، پرویز؛ صالح پور، شمس؛ داوردان، بابا (۱۳۹۵): تحلیل سطوح سرمایه گذاری خدماتی و عمرانی در جامعه عشایری استان آذربایجان غربی، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال پنجم، شماره ۳، پیاپی ۱۷، صص ۸۴-۷۱.
- ◀ فرجی سبکبار، حسنعلی؛ وزین، نرگیس؛ بدری سید علی (۱۳۹۲): اصلاح مدل تصمیم‌گیری تاکسونومی عددی، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال ۱۳، شماره ۲۸، صص ۱۳۶-۱۱۳.
- ◀ قنبری، یوسف؛ برقی، حمید؛ حجاربان، احمد (۱۳۹۰): تحلیل سطوح برخورداری دهستان‌های شهرستان اصفهان، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۳، صص ۱۱۲-۹۳.
- ◀ کفیل زاده، فرخ و اسماعیل‌زاده، علی (۱۳۸۱): اقتصاد تولید بخش عشایر کوچنده و اسکان‌یافته، مطالعه موردی ایل کرد، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه سال دهم، شماره ۳۸، صص ۲۲۳-۲۰۱.
- ◀ کرباسی، علیرضا؛ نیک‌خواه حجت‌اله (۱۳۸۴): بررسی اقتصاد تولید دام عشایری در استان لرستان، پنجمین کنفرانس دوسالانه اقتصاد کشاورزی در ایران، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان.
- ◀ عبداللهی، محمد (۱۳۸۶): اسکان عشایر و توسعه حیات اجتماعی آنان در ایران (مطالعه موردی طایفه وری علی نظر در استان ایلام)، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۲، صص ۵۳-۱۹.
- ◀ مرصوصی، نفیسه؛ بهرامی پاره، رحمت‌اله (۱۳۹۰): توسعه پایدار روستایی، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ اول تهران.
- ◀ مهدیزاده، جواد (۱۳۸۵): برنامه‌ریزی راهبردی توسعه شهری، انتشارات پیام سیماگران، چاپ دوم، تهران.
- ◀ مهدوی، مسعود و رضایی، پژمان و قدیری معصوم، مجتبی (۱۳۸۶): روستاهای برآمده از اسکان عشایر و چالش‌های آن، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۱.
- ◀ نظم‌فر، حسین؛ علی بخشی، آمنه؛ باختر، سهیلا (۱۳۹۴): تحلیل فضایی توسعه منطقه‌ای استان کرمانشاه با استفاده از مدل‌های تصمیم‌گیری چند معیاره، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال ۱۵، شماره ۳۶، صص ۲۵۱-۲۲۹.

- ▶ Abetekov, A. Yusupov. H, (1994): Ancient iranlan nomads in western central asla, History of Civilisations of Central Asia, ISBN 978-92-3-102846-5, 1994 - en.unesco.org.
- ▶ Donald J.beduanha and Sabin M.schmidt ,(2000): Pastoralism and Protect Area Management in Mongolia,s Gobi National Park.
- ▶ Fao – Japan Cooperative Project,(1999): Collection of information on Animal Production and Health, //www.fao.org.
- ▶ Frazier, j (1997): Sustainable Development: modern elixir or sack dress? Environmental Conervation,vol.24.
- ▶ Kinahan, J, (1996): The archaeology of social rank among eighteenth-century nomadic pastoralists in Southern Namibia, African Archaeological Review, Volume 13, Issue4, pp 225-245.
- ▶ Kumar Dey, P. D. Nath Ghosh & A. Chand Mondal ,(2011): A MCDM Approach for Evaluating Bowlers Performance in IPL, Journal of Emerging Trends in Computing and Information Sciences, Vol 2, No11, pp563-573.
- ▶ Mulliner, E. K. Smallbone & M. Vida ,(2012): An Assessment of Sustainable Housing Affordability Using Multiple Criteria Decision Making Method, Omega the International Journal of Management Science, Vol. 41, Issue 2, 270- 279.
- ▶ Martinez, J, (2009): "The use of GIS and indicators to monitor intra-urban inequalities: A case study in Rosario, Argentina", Habitat International, 4:1-14.
- ▶ Podvezko, V ,(2011): The Comparative Analysis of MCDA Methods SAW and CO-PRAS, Inzinerine Ekonomika-Engineering Economics, 22 (2), 134-146.
- ▶ Walker, B. H, and.Janssen M ,(2002): Rangelands, pastoralist and governments: interlinked systemsofpeopleandnature,GPO Box, 284.Canberra.
- ▶ Vlahov, D., Galea., S., Gibble, E., Freudenberg, N., (2005): "Perspectives on urban health condition and population health", Cadernos de Saude Public, 21:949-957.